متن

 عقیدۀ طحاویه

 از علامة حجة الإسلام أبو جعفر الوراق الحنفي الطحاوي رحمه الله

با ترجمۀ فارسی

**مترجم:**

**عبدالله حیدری**

**شوال 1430هـ ق**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | متن عقیدۀ طحاویه |
| **نویسنده:**  | أبو جعفر الوراق الحنفي الطحاوي |
| **مترجم:** | عبدالله حیدری |
| **موضوع:** | مجموعه عقاید اسلامی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

# بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

[سخن مترجم 1](#_Toc422119162)

[ترجمه متن طحاویه 5](#_Toc422119163)

[پیشگفتار 5](#_Toc422119164)

[ایمان به الله متعال 5](#_Toc422119165)

[ایمان به پیامبری محمدرسول الله**ص** 7](#_Toc422119166)

[ایمان به قرآن کریم 8](#_Toc422119167)

[کفر آن‌که قائل به تشبیه باشد 8](#_Toc422119168)

[دیدن الله متعال حق (ثابت) است 9](#_Toc422119169)

[ایمان به اسراء و معراج 10](#_Toc422119170)

[ایمان به حوض، شفاعت و میثاق 10](#_Toc422119171)

[ایمان به علم الله متعال 11](#_Toc422119172)

[دار و مدار اعمال بستگی به خاتمه دارد 11](#_Toc422119173)

[ایمان به قضاء و قدر 11](#_Toc422119174)

[ایمان به عرش و کرسی 13](#_Toc422119175)

[ایمان به ملائکه، پیامبران و کتابهای آسمانی 13](#_Toc422119176)

[کنکاش در ذات الله متعال و جدال در دین و قرآنش حرام است 14](#_Toc422119177)

[رد بر مرجئه 14](#_Toc422119178)

[تعریف ایمان 15](#_Toc422119179)

[مؤمنان مرتکب گناه کبیره در دوزخ جاودان نخواهند بود 15](#_Toc422119180)

[اطاعت حکم‌رانان و ولاة امر واجب است 16](#_Toc422119181)

[پیروی از اهل سنت و جماعت 17](#_Toc422119182)

[حج و جهاد تا روز قیامت واجب است (ادامه دارد) 17](#_Toc422119183)

[ایمان به فرشتگان و حیات برزخی 17](#_Toc422119184)

[ایمان به روز قیامت و صحنه‌های آن 18](#_Toc422119185)

[در افعال عباد، خلقت از جانب الله و کسب از بندگان است 18](#_Toc422119186)

[تکلیف به آنچه در توان انسان است 19](#_Toc422119187)

[الله متعال بی‌نیاز و ما به او نیازمند هستیم 20](#_Toc422119188)

[محبت با صحابه‌ی فداکار پیامبر گرامی اسلام**ش** 20](#_Toc422119189)

[پیامبران از اولیاء برترند 21](#_Toc422119190)

[ایمان به نشانه‌های قیامت 22](#_Toc422119191)

[تصدیق جادوگران و فال‌بینان روا نیست 22](#_Toc422119192)

[اسلام تنها دین (برحق) نزد الله است 22](#_Toc422119193)

[پایان 23](#_Toc422119194)

[متن عربی عقیدۀ طحاویه 25](#_Toc422119195)

[**المقدمة** 25](#_Toc422119196)

[الإيمان بالله تعالى:‏ 25](#_Toc422119197)

[**الإيمان بنبوة النبي محمد صلى الله عليه وسلم:‏** 27](#_Toc422119198)

[**الإيمان بالقرآن الكريم:‏** 27](#_Toc422119199)

[**كفر من قال بالتشبيه:‏** 27](#_Toc422119200)

[**رؤية الله حق:‏** 28](#_Toc422119201)

[**الإيمان بالإسراء والمعراج:‏** 29](#_Toc422119202)

[الإيمان بالحوض والشفاعة والميثاق:‏ 29](#_Toc422119203)

[**الإيمان بعلم الله:‏** 29](#_Toc422119204)

[**الأعمال بالخواتيم:‏** 30](#_Toc422119205)

[**الإيمان بالقضاء والقدر:‏** 30](#_Toc422119206)

[**الإيمان بالعرش والكرسي:‏** 31](#_Toc422119207)

[**الإيمان بالملائكة والنبيين والكتب السماوية:‏** 31](#_Toc422119208)

[**حرمة الخوض في ذات الله، والجدال في دين الله وقرآنه:‏** 32](#_Toc422119209)

[**الرد على المرجئة:‏** 32](#_Toc422119210)

[**تعريف الإيمان:‏** 32](#_Toc422119211)

[**أهل الكبائر من المؤمنين لا يخلدون في النار:‏** 33](#_Toc422119212)

[**وجوب طاعة الأئمة والولاة:‏** 34](#_Toc422119213)

[**اتباع أهل السنة والجماعة:‏** 34](#_Toc422119214)

[**وجوب الحج والجهاد إلى يوم القيامة:‏** 34](#_Toc422119215)

[**الإيمان بالملائكة والبرزخ:‏** 35](#_Toc422119216)

[**الإيمان بيوم القيامة وما فيه من المشاهد:‏** 35](#_Toc422119217)

[**الإيمان بالجنة والنار:‏** 35](#_Toc422119218)

[**أفعال العباد خلق الله وكسب من العباد:‏** 35](#_Toc422119219)

[**التكليف بما يطاق:‏** 36](#_Toc422119220)

[**الله هو الغني ونحن الفقراء إليه:‏** 37](#_Toc422119221)

[**حب أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم:‏** 37](#_Toc422119222)

[**الأنبياء أفضل من الأولياء:‏** 38](#_Toc422119223)

[**الإيمان بأشراط الساعة:‏** 38](#_Toc422119224)

[**لا يجوز تصديق الكهنة والعرافين:‏** 38](#_Toc422119225)

[**إن الدين عند الله الإسلام:‏** 39](#_Toc422119226)

[**الخاتمة:‏** 39](#_Toc422119227)

سخن مترجم

با عرض سلام و تحیات خالصانه خدمت خوانندگان عزیز و گرامی امیدوارم همواره سالم و تندرست و مؤفق باشید.

بزرگترین نعمت و سرمایۀ یک انسان در این جهان نعمت ایمان خالص و عقیدۀ صحیح است. ما اهل سنت و جماعت خداوند یکتا و یگانه را شکر می‌کنیم که به ما این گنج عظیم را عنایت فرموده است که خلاصه‌اش:

 پایبندی و مزین شدن به توحید و یکتا پرستی و اتباع سنت پیامبر گرامیص و پرهیز از شرک و بدعت و هواپرستی و شهوت‌پرستی است. با ایمان و محبت مشروع در چهار چوب شریعت و بدون غلو و افراط به صحابۀ گرامی رسول مکرمص و اهل بیت و خاندان مؤمنش و سایر علمای سلف صالح و در رأسشان امامان چهارگانۀ اهل سنت و جماعت امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی، امام محمد بن ادریس شافعی، امام مالک ابن انس مدنی، و امام احمد بن حنبل شیبانی، که رحمت و رضوان و خوشنودی خداوند بر همگی شان باد.

و نیز پرهیز از اهل بدعت و بدعت‌های آنان بدعت خوارج بدعت روافض بدعت معتزله بدعت جهمیه بدعت مرجئه و بدعت تأویل و تعطیل و تشبیه و تجسیم. بنابراین از ته دل و اعماق قلب و ژرفای سلول‌های مغز و قلب و بدنمان به تمام اسماء حسنی و صفات علیای معبود عظیم الشانمان الله یگانه و یکتا چنانکه خود در کتاب عزیزش ذکر کرده و پیامبر گرامی‌اش در سنت مطهرش بیان نموده بدون هیچگونه تأویل و تعطیل و تشبیه و تجسیمی ایمان کامل و عقیدۀ راسخ و فولادین داریم. و بر همین اساس دین اسلام خالص و اصیل را پذیرفته‌ایم و پروردگار یکتا و یگانه مان را بر همین اساس می‌پرستیم. که این بارزترین فرق ما با اهل بدعت است.

خدای «سمیع» و «بصیر» و «علیم» و «قدیر» را گواه می‌گیرم که این دین و عقیدۀ من است که از سال 60 شمسی (1402 قمری) یعنی 28 سال پیش دانسته و آگاهانه آن را فهمیده و انتخاب نموده‌ام و تا کنون (که معبود منان و یگانه‌ام 45 سال و 3 ماه و 15 روز به من عمر عنایت فرموده است) به توفیق ذات متعال آن الله بزرگ و «منان» و «حفیظ» آن را با چنگ و دندانم نگهداشته و به هیچ قیمتی نفروخته و معامله نکرده‌ام و از آن دفاع کرده و آن را نشر کرده و خواهم کرد و حتی اگر در راه نشر و دفاع از آن تکه تکه شوم در آینده نیز آن را نخواهم فروخت و معامله نخواهم کرد.

این عقیدۀ من و عقیدۀ سایر اهل سنت جهان است یا به تعبیر دقیق‌تر باید باشد که اگر بخشی از امت اسلامی و اهل سنت بر اثر کمکاری ما از جزئيات آن غافل هستند انشاءالله آن را خواهند آموخت اما در اصول و كليات هیچ اختلافی وجود ندارد.

چنانکه در متن پیشرو از علامۀ بزرگ و محدث شهیر و فقیه دانشمند حجة الإسلام أبوجعفر أحمد بن سلامة بن عبدالملك الأزدي الحجري المصري الحنفي الوراق الطحاوي رحمة الله علیه (متولد 239 متوفای 321 هـ ق) ملاحظه خواهید فرمود.

متن عقیدۀ طحاویه که یکی از چندین شاهکار علمی ایشان است بهترین جامعترین و مشهورترین متن اعتقادی است که تقریبا تمام اصول اعتقادی اهل سنت را با اختصار در آن بر شمرده است و تقریبا تمام مذاهب فقهی و کلامی اهل سنت بر جایگاه و اهمیت و شمولیت این متن ارزشمند اتفاق نظر دارند و به همین دلیل تقریبا در تمام مدارس اهل سنت در سراسر جهان این متن و شروح آن تدریس می‌شود.

لذا از اساتید بزرگوار و مربیان دلسوز التماس می‌کنیم که این متن را در دوره‌های ابتدایی و کلاس‌های تابستانی در اختیار فرزندان عزیز اعم از طلبه و دانشجو قرار دهند و زمینۀ فهم و حفظ آن را فراهم نمایند.

در پایان این توضیح را هم اضافه کنم: همچنانکه هیچ متنی بدون شرح برای عموم قابل فهم و درک نیست این متن مهم نیز چنین است که انشاءالله اگر خداوند عمر و سلامتی عنایت فرمود (علاوه بر شرح مطول ابن ابی العز و یکی دو شرح ناقص موجود) شرح مختصری در دست ترجمه دارم که انشاء الله تکمیل خواهد شد.

قابل توجه اساتید بزرگوار و دوستانی که بخواهند از متن عربی استفاده کنند یا ترجمه را با متن تطبیق کنند متن موجود به دلیل کمبود وقت و عدم دسترسی به تایپ جدید عینا متنی نیست که ترجمه بر اساس آن انجام گرفته طوری که رابط سایت نشان می‌دهد این متن را از انترنت گرفته‌ام. در شماره‌گذاری تفاوتهایی وجود دارد و موضوع بندی و فهرست این متن در متن چاپ شده مورد استفاده من وجود نداشته است.

**با التماس دعای خير**

**عبدالله حيدری جامی**

**25 آذرماه 88**

ترجمه متن طحاویه

پیشگفتار

علامه حجة الإسلام أبو جعفر الوراق طحاوی رحمة الله عليه (در مصر) فرمودند:

این بیان عقیدۀ أهل سنت و جماعت مطابق با مذهب فقهای ملت امام أبوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی و امام أبویوسف یعقوب ابن ابراهیم انصاری و امام ابو عبدالله محمد بن حسن شیبانی رضوان الله علیهم أجمعین است، و آنچه که از اصول دین بدان معتقدند، و براساس آن پروردگارشان را می‌پرستند.

ایمان به الله متعال

دربارۀ توحید خداوند متعال که با توفیق ذات بی‌نیاز او تعالی به آن عقیده داریم می‌گوییم:

1. خداوند یکتاست که هیچ شریکی ندارد.
2. و هیچ چیزی مانند او نیست.
3. و هیچ چیزی او را عاجز نمی‌کند.
4. و هیچ معبودی جز او نیست.
5. ذات او قدیم است که آغازی ندارد و دائم است که پایانی ندارد.
6. نه فنا می‌شود و نه از بین می‌رود.
7. و هیچ چیزی جز آنچه او بخواهد انجام نمی‌گیرد.
8. به (کنه وجود) او وهم و گمان نمی‌رسد و (حقیقت) او را فهم بشر درک نمی‌کند.
9. و هیچ چیزی از مخلوقات به او شباهت ندارد.
10. زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد. نگهبانی است که هرگز نمی‌خوابد.
11. بدون اینکه نیازی به آفریدن داشته باشد آفریننده است، بدون اینکه خستگی و ملالی به او دست دهد روزی دهنده است.
12. میراننده‌ای است که بدون ترس می‌میراند و بدون مشقت برمی‌انگیزد.
13. قبل از اینکه چیزی بیافریند، صفاتش از قدیم با او بوده است، پس از بوجود آوردن مخلوقاتش هیچ صفتی که قبل از وجود آنان نداشته باشد به صفات او افزوده نشده است، همچنانکه با صفات خودش ازلی بوده است، همچنان با صفاتش ابدی خواهد بود.
14. اسم «خالق» را بعد از آفریدن مخلوق بدست نیاورده و اسم «بارئ» را بعد از بوجود آوردن موجودات حاصل نکرده است.
15. صفت ربوبیت از آن اوست اما خودش زیر پرورش کس دیگری نیست، و صفت خلقت و آفرینش از آن اوست ولی خودش مخلوق نیست.
16. همچنانکه او بعد از زنده کردن، «محی» یعنی زنده‌کنندۀ مردگان است قبل از زنده‌کردن آنان نیز مستحق این اسم بوده است. کما اینکه قبل از بوجود آوردن مخلوق مستحق اسم خالق بوده است.
17. زیرا که او بر هر چیزی قادر و تواناست و هر چیزی به او محتاج است. و هر امری بر او آسان است. به هیچ چیزی محتاج نیست ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾ [الشوری: 11]. «هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای داناست».
18. مخلوق را با علم خود آفریده.
19. و سرنوشت آنان را برایشان مقدر کرده.
20. و اجلشان را معین کرده است.
21. قبل از اینکه آنان را بیافریند، چیزی بر او پوشیده نبوده است. و قبل از آفریدن شان می‌دانسته که چه اعمالی انجام خواهند داد.
22. آنان را به اطاعت از خود امر فرموده و از معصیت و نافرمانی خود نهی کرده است.
23. هرچیز مطابق با تقدیر (و برنامه‌ریزی) و ارادۀ او انجام می‌گیرد. ارادۀ او نافذ است و نه ارادۀ بندگان مگر آنچه که او برایشان بخواهد. پس آنچه که او برایشان بخواهد همان خواهد شد و آنچه او نخواهد انجام نخواهد شد.
24. هرکس را بخواهد هدایت می‌کند، از روی فضل و احسان خود حفاظت می‌کند و تندرستی می‌دهد، و به اقتضای عدل خود هرکس را بخواهد گمراه می‌کند و خوار می‌گرداند و به ابتلا و آزمایش گرفتار می‌کند.
25. و تمام مخلوقات در گردونۀ ارادۀ او، و بین اقتضای فضل و مقتضای عدل او در حرکتند.
26. او برتر از هر مخالف و شریکی است.
27. کسی نیست که قضاء و قدر او را بتواند رد کند و حکم و فیصله او را به عقب برگرداند، و بر امر او غالب شود.
28. به همۀ این امور ایمان آوردیم و یقین و باور داریم که همه چیز از جانب ذات یگانۀ اوست.

ایمان به پیامبری محمدرسول الله**ص**

1. و اینکه محمدص بندۀ برگزیده و پیامبر انتخاب‌شدۀ و رسول مورد رضایت اوست.
2. و اینکه ایشان خاتم انبیاء و امام اتقیاء و سید مرسلین و حبیب و خلیل رب العالمین است.
3. هر ادعای نبوتی بعد از ایشان گمراهی و هواپرستی است.
4. و ایشان به سوی تمام جن و انس فرستاده شده تا حق و هدایت و نور و روشنی را به آنان عرضه کند.

ایمان به قرآن کریم

1. و اینکه قرآن کریم کلام خداوند ذوالجلال است، بدون کیفیت و چگونگی از او پدید آمده است، و آن را بر فرستاده‌اش با وحی فرود آورده است، و مؤمنان پیامبرص را دربارۀ این وحی تصدیق و باور نمودند و یقین کردند که قرآن حقیقتا کلام خداوند متعال است و مانند سایر کلام موجودات مخلوق و آفریده شده نیست.

پس هرکس آن را بشنود و او را کلام بشر بپندارد قطعا کافر می‌شود. و خداوند متعال بدون تردید او را نکوهش کرده و از او عیب گرفته و به آتش دوزخ تهدید نموده است.

جاییکه ذات متعالش می‌فرماید: ﴿سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ٢٦﴾ [المدثر: 26]. «بزودی او را به دوزخ درخواهم آورد». پس وقتی که خداوند ذوالجلال کسی را که بگوید: ﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ٢٥﴾ [المدثر: 25]. «نیست این قرآن مگر گفته بشر» به آتش دوزخ تهدید کرد دانستیم و یقین و باور کردیم که این قرآن کلام خالق بشر است و هیچ شباهتی به گفتار بشر ندارد.

کفر آن‌که قائل به تشبیه باشد

1. و کسی که خداوند ذوالجلال را به هر شکل و مفهومی از مفاهیم انسانی توصیف کند قطعا کافر می‌شود. پس کسی که این امر را به دقت ببیند پند می‌گیرد و از امثال سخنان کفار متنفر می‌شود و به یقین می‌داند که خداوند بی‌نیاز ذاتی نیست که در صفاتش به بشر شباهت داشته باشد.

دیدن الله متعال حق (ثابت) است

1. دیدار خداوند مهربان برای اهل بهشت بدون احاطه و کیفیت حق است. چنانکه کتاب پروردگار ما دربارۀ آن سخن گفته است: ﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ٢٣﴾ [القیامة: 22 - 23].

 تفسیر این دیدار همان است که خداوند متعال خواسته و دانسته است.

و تمام احادیث صحیحی که از رسول گرامیص دراین باره آمده چنان است که ایشان فرموده‌اند. و معنا و مراد آن همانی است که خداوند خواسته و اراده فرموده است.

ما به تأویل و آراء و دیدگاه‌های خود در این مجال وارد نمی‌شویم و از روی هوس و خیال به توهم و گمانه زنی نمی‌پردازیم. زیرا هیچ کس در دین خود سالم نمی‌ماند مگر کسی که خود را کاملا تسلیم امر خدا و رسولشص نماید و علم آنچه که بر او مشتبه می‌گردد را به عالم آن وا گذار نماید.

1. پای اسلام جز بر پشت تسلیم کردن و تسلیم شدن محکم نمی‌شود. پس کسی که به دنبال علمی باشد که دانستن آن برای او ممنوع شده است و فهم و درک او به تسلیم قانع نشود، این هدف و اراده او را از توحید خالص و شناخت درست و ایمان صحیح باز خواهد داشت که سر انجام در بین کفر و ایمان و تصدیق و تکذیب، و اقرار و انکار، با شک و وسوسه سرگردان خواهد ماند که نه مؤمنی است که تصدیق و باور داشته باشد و نه منکری که تکذیب کند.
2. ایمان به رؤيت و دیدار الله ذوالجلال برای اهل بهشت با توهم و تأویل درست نیست. معنی حقیقی رؤيت و دیدار الله ذوالجلال با ترک تأویل و لزوم تسلیم در برابر نص محقق می‌شود که این دین همۀ مسلمین است. کسی که از نفی صفات کمال و تشبیه الله متعال به مخلوقاتش پرهیز نکند پایش لغزیده و هرگز خداوند متعال را به درستی پاک ندانسته است.زیرا پروردگار ما جل جلاله متصف به تمام صفات (کمال و) وحدانیت است و هیچ احدی از مخلوقاتش مشابه او تعالی نیست.
3. خداوند متعال از حدود و غایات و ارکان و اعضاء و ادوات برتر است که جهات ششگانه طوری که سایر پدیده‌ها را احاطه می‌کنند نمی‌توانند او تعالی را احاطه کنند.

ایمان به اسراء و معراج

1. اسراء و معراج حق است، پیامبر گرامیص در یک شب (از مکه به بیت المقدس) و از آنجا در عالم بیداری به آسمان بالا برده شدند سپس تا جایی که خداوند می‌خواست بالا برده شد و خداوند متعال ایشان را به هر آنچه می‌خواست (از نعمت‌های مخصوصش) اکرام و اعزاز بخشید و به ایشان وحی فرمود: ﴿مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١﴾ [النجم: 11]. پس خداوند منان در دنیا و آخرت برایشان درود فرستاد.

ایمان به حوض، شفاعت و میثاق

1. و حوضی که خداوند متعال پیامبر گرامی‌اشص را برای کمک به امت با آن اکرام و اعزاز بخشید حق است.
2. و شفاعتی که خداوند متعال برای پیامبر گرامی‌اش علیه الصلاة والسلام ذخیره کرده چنانکه در روایات آمده حق است.
3. و عهد و پیمانی که خداوند متعال از آدم÷ و ذریة ایشان گرفته حق است.

ایمان به علم الله متعال

1. خداوند، دانا از ازل کاملا می‌دانست که تعداد همۀ کسانی که وارد بهشت و همۀ کسانی که وارد دوزخ خواهند شد چقدر است، نه چیزی بر آن عدد افزوده می‌شود و نه کم.
2. و همچنین در ضمن سایر جزئیات این را نیز می‌دانست که آنان چه اعمالی انجام خواهند داد. و هرکس برای هرکاری که ساخته شده آن کار برایش آسان می‌شود.

دار و مدار اعمال بستگی به خاتمه دارد

دار و مدار اعمال بر خاتمۀ آن است، و خوشبخت کسی است که از قضاء و قدر خداوند احساس خوشبختی کند و بدبخت کسی است که از قضاء و قدر خداوند متعال احساس بدبختی نماید.

ایمان به قضاء و قدر

1. اصل تقدیر سر خداوند متعال در میان مخلوقاتش است هیچ فرشتۀ مقرب و پیامبر مرسلی از آن اطلاع ندارد، تعمق و دقت و کنجکاوی در تقدیر وسیلۀ ذلت و پلکان محرومی، و نردبان سرکشی است. پس خبردار مبادا کسی دربارۀ تقدیر بیندیشد یا فکر کند یا وسوسه شود زیرا خداوند متعال علم قضاء و قدر را از مخلوقاتش پنهان داشته و آنان را از توجه به آن نهی فرموده است.

چنانکه در کتاب عزیزش می‌فرماید: ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ ٢٣﴾ [الأنبیاء: 23]. پس هرکس بپرسد چرا خداوند چنین کرده؟ قطعا حکم تقدیر را رد کرده است و کسی که حکم تقدیر را رد کند در زمرۀ کافران بشمار می‌رود.

1. این خلاصه آن چیزی است که هرکس از اولیاء و دوستان خداوند متعال قلبش به نور ایمان منور شده به آن محتاج است و این درجۀ راسخین در علم است. زیرا علم دو نوع است، یکی علمی که در بین مردم موجود است و دیگر علمی که از مخلوق پوشیده است انکار علم موجود کفر است و ادعای علم مفقود (یا علم غیب) نیز کفر است و ایمان محکم نمی‌شود مگر با یقین به علم موجود و ترک طلب علم مفقود.
2. و ما به لوح محفوظ و به همۀ آنچه که در آن نوشته شده است و به قلم ایمان داریم، اگر همۀ مخلوقات جمع شوند و بخواهند چیزی که در لوح محفوظ نوشته شده و وجود دارد آن را معدوم کنند و از بین ببرند هرگز نخواهند توانست، قلم برداشته شد و هر آنچه که تا قیامت لازم بود نوشته شد. هرچه (از خیر و شر) در تقدرت باشد به تو می‌رسد و هر آنچه در تقدیرت نباشد ممکن نیست به تو برسد.
3. بنده باید بداند که علم خداوند متعال بر هر موجودی از مخلوقاتش پیشی گرفته است و لذا تقدیر و سرنوشت هر چیزی را محکم و مرتب برنامه‌ریزی کرده است، به گونه‌ای که هیچ شکننده و دنبال‌کننده و از بین‌برنده و تغییردهنده و کم‌کننده و زیادکننده‌ای در میان تمام مخلوقاتش در آسمان‌ها و زمین وجود ندارد (که بتواند در تقدیر و برنامۀ قضاء و قدر او ذره‌ای تصرف کند) این امر از گره‌های محکم ایمان و اصول و پایه‌های شناخت و اعتراف به توحید و یگانگی و ربوبیت ذات یکتا و یگانه او تعالی است.

چنانکه خداوند متعال در کتاب عزیزش می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾ [الفرقان: 2]. «و هر چیزی را آفرید سپس اندازه کرد آن را اندازه‌ای معین».

و نیز ذات متعالش می‌فرماید:

﴿وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ٣٨﴾ [الأحزاب: 38].

«و هست أمر خدا اندازه‌ای معین شده».

وای به حال کسی که در امر قضاء و قدر با خداوند به خصومت بپردازد، و با قلب بیمارش در امر قضاء و قدر به دقت و کنجکاوی شروع کند، یقینا او به گمان خودش خواسته است در باره سرّ پنهان علم غیب دقت و جستجو کند پس بداند که سرانجام جز با کوله باری از دروغ و تهمت و گناه باز نخواهد گشت.

ایمان به عرش و کرسی

1. و عرش و کرسی خداوند متعال حق است.
2. در حالیکه ذات مقدس او از عرش و غیر عرش بی‌نیاز است.
3. به هر چیز احاطۀ کامل دارد و فراتر از آن او تعالی مخلوقش را از اینکه بتوانند او را احاطه کنند به یقین عاجز و ناتوان کرده است.

ایمان به ملائکه، پیامبران و کتابهای آسمانی

1. ما از روی ایمان و تصدیق و تسلیم کامل عقیده و یقین و باور داریم که خداوند متعال ابراهیم÷ را دوست خاص و خلیل خود گرفته و با موسی÷ سخن گفته است.
2. و به فرشتگان و پیامبران و کتب نازل شده بر رسولان ایمان و یقین داریم و گواهی می‌دهیم که آنان برحق آشکار بودند.
3. و اهل قبله خود را تا زمانی که به آنچه پیامبر گرامی‌مانص آورده اعتراف داشته باشند و ایشان و هرآنچه که ایشان فرموده‌اند را تصدیق کنند، مسلمان و مؤمن می‌دانیم.

کنکاش در ذات الله متعال و جدال در دین و قرآنش حرام است

1. دربارۀ ذات الله متعال کنجکاو نمی‌شویم و دربارۀ دین خداوند ذوالجلال به جدال نمی‌پردازیم.
2. دربارۀ قرآن کریم مجادله نمی‌کنیم، و گواهی می‌دهیم که قرآن کریم کلام رب العالمین است که جبرئیل امین÷ آن را فرود آورده و به سید مرسلین حضرت محمدص آموخته است. قرآن کریم کلام خداوند متعال است که هیچ چیزی از مخلوقاتش برابر و همسنگ او نمی‌شود و ما عقیده نداریم که کلام خدا مخلوق است، و با جماعت مسلمین مخالفت نمی‌کنیم.
3. و هیچکس از اهل قبله را به سبب ارتکاب گناهی تا هنگامی که آن را حلال نداند تکفیر نمی‌کنیم.

رد بر مرجئه

1. و عقیده نداریم که کسی گناه کند گناه با ایمان ضرر ندارد.
2. امیدواریم که خداوند متعال مؤمنان نیکوکار را ببخشد و با رحمت خود آنان را وارد بهشت کند، نه آنان را در امان می‌دانیم و نه برایشان گواهی بهشت می‌دهیم، بر بدکارانشان می‌ترسیم و برای آنان طلب آمرزش می‌کنیم و آنان را نا امید نمی‌کنیم.
3. احساس امنیت و نا امیدی انسان را از دین اسلام بیرون می‌رانند، راه حق برای اهل قبله راه میانه بین این دو است.
4. بنده را جز انکار آنچه که او را وارد ایمان کرده است چیزی از ایمان خارج نمی‌کند.

تعریف ایمان

1. ایمان اقرار به زبان و تصدیق با قلب است.
2. تمام آنچه از رسول گرامیص از شریعت و بیان ثابت شده همه حق است.
3. ایمان یکی است و اهل آن در اصل برابرند، و فضیلت و برتری آنان بر یکدیگر به اعتبار ترس و تقوا و مخالفت با هوا و هوس و عمل کردن به هر آن چیزی است که اولی و بهتر است.
4. همۀ مؤمنان اولیاء و دوستان خداوند متعال هستند، وگرامی‌ترین آنان نزد خداوند کسانی هستند که اطاعت و پیروی بیشتری از قرآن داشته باشند.
5. ایمان عبارت است از ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولان او و به روز آخرت و تقدیر که خیر و شر و تلخ و شرین آن همه از طرف خداوند متعال است.
6. ما به همۀ این‌ها ایمان داریم و هیچ فرقی بین پیامبران و رسولان نمی‌گذاریم و همۀ آنها را و آنچه را که آورده‌اند تصدیق می‌کنیم.

مؤمنان مرتکب گناه کبیره در دوزخ جاودان نخواهند بود

1. اهل کبائر یعنی کسانی که از امت محمدص مرتکب گناه کبیره می‌شوند وارد آتش خواهند شد اما به شرطی که موحد و یکتاپرست بمیرند حتی اگر توبه نکنند همیشه در دوزخ نمی‌مانند.

این‌ها بعد از اینکه با شناخت و ایمان با خدا ملاقات کنند، در گرو مشیت و اراده و حکم خداوند متعال هستند اگر بخواهد با فضل و احسان خود آنان را مغفرت می‌کند و می‌بخشد چنانکه ذات ذوالجلالش در کتاب عزیزش می‌فرماید: ﴿وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ﴾ [النساء: 116]. «و جز شرک را برای هرکس که بخواهد می‌بخشد».

و اگر بخواهد با عدل خود عذابشان می‌کند، سپس با رحمت خود و با شفاعت شفاعت کنندگان از اهل طاعتش از آتش بیرون آورده و به بهشت خود می‌فرستد، زیرا خداوند متعال اهل معرفتش را دوست می‌دارد.

پس در هردو جهان آنان را مانند کسانی قرار نمی‌دهد که او را نشناخته و از هدایتش سود نبرده و از دوستی‌اش استفاده‌ای حاصل نکردند. پروردگارا! ای دوست اسلام و اهل اسلام! تا وقتی ما را بر دین اسلام ثابت و استوار بدار که با آن به ملاقات تو مشرف شویم.

1. ما نماز پشت سر هر نیکو کار و بدکار از اهل قبله را درست می‌دانیم، و نیز جنازه بر آنان را.
2. ما هیچکدام از آنان را (به طور مشخص) بهشتی و دوزخی نمی‌دانیم و تا زمانیکه چیزی از آنها ظاهر نشود به کفر و شرک و نفاق هیچکس از آنان گواهی نمی‌دهیم و امور پنهان آنان را به خداوند متعال واگذار می‌کنیم.
3. جز کسی که شمشیر بر او واجب شده بر هیچ فردی از امت محمدص شمشیر کشیدن را درست نمی‌دانیم.

اطاعت حکم‌رانان و ولاة امر واجب است

1. خروج بر ائمه و ولاة امر(= حاکمان مسلمان) خود را جایز نمی‌دانیم حتی اگر جور و ظلم کنند، و برایشان دعای بد نمی‌کنیم، و دست طاعت و فرمانبرداری را از دست‌شان بیرون نمی‌کشیم و عقیده داریم تا زمانیکه به گناه و معصیتی فرمان ندهند طاعت و فرمانبرداری از آنان همانند اطاعت و فرمانبرداری خداوند عزوجل فرض است، و برای خیر و صلاح و سلامتی آنان دعا می‌کنیم.

پیروی از اهل سنت و جماعت

1. ما از اهل سنت و جماعت تبعیت می‌کنیم و از امور شاذ و تک روی و اختلاف و تفرقه دوری می‌کنیم.
2. اهل عدالت و امانت را دوست می‌داریم و با اهل جور و ظلم و خیانت بغض می‌ورزیم.
3. در اموریکه علم آن بر ما مشتبه شود می‌گوییم الله أعلم خداوند بهتر می‌داند.
4. چنانکه در احادیث صحیح آمده مسح بر موزه را در سفر و غیر سفر سنت می‌دانیم.

حج و جهاد تا روز قیامت واجب است (ادامه دارد)

1. حج و جهاد را با اولی الأمر مسلمین أعم از نیکوکار و بدکار تا قیامت ادامه می‌دهیم هیچ چیزی این دو یعنی حج و جهاد را باطل نمی‌کند و نقض نمی‌نماید.

ایمان به فرشتگان و حیات برزخی

1. به کرام الکاتبین ایمان داریم که خداوند متعال آنها را بر ما نگهبان قرار داده است.
2. به ملک الموت که ارواح جهانیان را قبض می‌کند ایمان داریم.
3. به عذاب قبر برای کسی که مستحق آن باشد ایمان داریم. و همانگونه که روایات صحیح از رسول گرامیص و صحابه گرامی ایشان رضوان الله علیهم نقل شده است به سؤال منکر و نکیر در قبر که از هر شخصی دربارۀ رب و دین و نبی او می‌پرسند ایمان داریم.
4. قبر باغی از باغ‌های بهشت یا چاهی از چاه‌های دوزخ است.

ایمان به روز قیامت و صحنه‌های آن

1. به زنده شدن بعد از مرگ و پاداش اعمال در روز قیامت و حاضر شدن به پیشگاه خداوند متعال و حساب اعمال، و خواندن نامۀ اعمال، و ثواب و عقاب و صراط و میزان ایمان داریم.
2. بهشت و دوزخ دو مخلوق از مخلوقات خداوند متعال هستند که هرگز فنا نخواهند شد و نه کسی خواهد توانست آنها را از بین ببرد. وخداوند متعال بهشت و دوزخ را قبل از آفریدن سایر مخلوقات خلق کرده و برای آنان ساکنانی آفریده است.

پس هرکس از بندگانش که وارد بهشت شود از روی فضل و احسان او تعالی می‌شود و هرکس که وارد دوزخ گردد از روی عدل او تعالی وارد می‌گردد و هرکس برای آن کاری که وقت گذاشته و برایش آسان گردیده عمل می‌کند و به سوی سر نوشتی که برای آن آفریده شده در حرکت است.

در افعال عباد، خلقت از جانب الله و کسب از بندگان است

1. خیر و شر برای بندگان مقدر شده است.
2. استطاعتی که عمل با آن واجب می‌شود مانند توفیقی است که جایز نیست مخلوق به آن توصیف شود، این استطاعت با فعل است، و اما استطاعتی که از جهت درستی و توانایی و قدرت و سلامتی اسباب است قبل از انجام فعل است، و خطاب به همین تعلق می‌گیرد چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ﴾ [البقره: 286]. «خداوند متعال هیچ نفسی را مکلف نمی‌کند مگر به اندازه توانایی آن».
3. افعال بندگان مخلوق خداوند و کسب خود بندگان است.

تکلیف به آنچه در توان انسان است

1. خداوند آنها را مکلف نکرده مگر آنچه که توانایی‌اش را دارند، و توانایی ندارند مگر آنچه که آنان را بدان مکلف کرده است[[1]](#footnote-1) و تفسیر (لا حول و لا قوة إلا بالله) همین است.

 لذا عقیده داریم که جز به حکم خداوند هیچکس توان انجام کاری را ندارد و هیچکس توان حرکت کردن را ندارد و هیچکس توانایی دور شدن از گناه را ندارد. و جز به توفیق خداوند متعال هیچکس قدرت انجام و ثبات بر طاعت و بندگی خداوند را ندارد.

1. هر چیزی به ارادۀ و علم و قضاء و قدر خداوند متعال انجام می‌گیرد ارادۀ او تعالی بر تمام اراده‌ها غالب است و قضاء و فیصلۀ او بر همۀ حیله‌ها غالب است، بدون اینکه ظالم باشد هرچه بخواهد انجام می‌دهد، از هر بدی پاک است و از هر عیب و نقصی منزه است: ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ ٢٣﴾ [الأنبیاء: 23]. «از آنچه انجام دهد پرسیده نمی‌شود و آنان پرسیده می‌شوند».
2. دعا و صدقات زندگان به مردگان سود می‌رساند.
3. خداوند متعال دعاها را اجابت می‌کند، و حاجت‌ها را برآورده می‌فرماید.

الله متعال بی‌نیاز و ما به او نیازمند هستیم

1. او هر چیز و هر کسی را مالک است اما هیچ کسی او را مالک نیست، به اندازه بهم خوردن دو پلک کسی از خداوند بی‌نیاز نیست و هرکس به اندازه بهم خوردن دو پلک از خداوند متعال احساس بی‌نیازی کند بدون شک کافر می‌شود و از اهل هلاکت قرار می‌گیرد.
2. خداوند غضب می‌فرماید و راضی و خوشنود می‌شود اما نه مانند هیچکس از مخلوقات.

محبت با صحابه‌ی فداکار پیامبر گرامی اسلام**ش**

1. صحابه رسول اللهص را دوست می‌داریم اما در محبت هیچکدام از آنان افراط نمی‌کنیم، و نه از هیچکدام آنان بیزاری می‌جوییم. کسی که با آنان بغض بورزد و از آنان جز به خیر و نیکی یاد کند با او بغض می‌ورزیم. ما صحابه را جز به خیر و نیکی یاد نمی‌کنیم محبت صحابه دین و ایمان و احسان و بغض صحابه کفر و نفاق و طغیان است.
2. ما خلافت را بعد از رسول خداص اولا برای ابوبکر صدیقس اثبات می‌کنیم و ایشان را از همۀ امت افضل و برتر و مقدم می‌دانیم. سپس عمر فاروقس سپس عثمان ذی النورینس و سپس علی ابن ابی طالبس همۀ این‌ها خلفای راشدین یعنی رستگاران و امامان راهیافته‌اند.
3. عشره مبشره یعنی ده نفری که رسول خداص از آنان نام برده و به آنان مژده بهشت داده ما گواهی می‌دهیم که همچنانکه رسول خداص مژده داده‌اند آنان اهل بهشت هستند، و قول و فرموده ایشان کاملا حق است و آنان عبارت‌اند از:

ابوبکر صدیق و عمر فاروق و عثمان ذی النورین و علی مرتضی و طلحه بن عبدالله و زبیر بن العوام و سعد ابن ابی وقاص و سعید بن زید و عبد الرحمن بن عوف و (أمین امت) أبوعبیده بن جراح است. رضی الله تعالی عنهم أجمعین.

1. هرکس دربارۀ صحابه رسول اللهص و ازواج طاهرات از هر ناپاکی و ذریة مقدس ایشان از هر پلیدی سخن نیک بگوید از نفاق پاک شده است.
2. علمای سلف از سابقین و تابعین بعد از آنان اهل خیر و أثر و اهل فقه و نظر هستند جز به نیکی نباید یاد شوند، و هرکس از آنان به بدی یاد کند او بر غیر از راه مؤمنان است.

پیامبران از اولیاء برترند

1. ما هیچکدام از اولیاء و دوستان خدا را به هیچیک از انبیاء† برتری نمی‌دهیم و عقیده داریم که یک پیامبر از تمام أولیاء أفضل و برتر است.
2. به کرامات اولیاء و روایات صحیح آنان که از طریق راویان موثوق و قابل اعتماد ثابت شده ایمان داریم.

ایمان به نشانه‌های قیامت

1. ما به علامات قیامت ایمان داریم مانند خروج دجال و نزول عیسی بن مریم÷ از آسمان، و طلوع خورشید از مغرب، و خروج دابة الأرض از جایگاهش.

تصدیق جادوگران و فال‌بینان روا نیست

1. حرف هیچ فالبین و کف بین و حرف هر کسی که چیزی مخالف قرآن و سنت و اجماع امت ادعا کند را تصدیق نمی‌کنیم.
2. جماعت و اتحاد را حق و صواب و تفرقه و اختلاف را گمراهی و عذاب می‌دانیم.

اسلام تنها دین (برحق) نزد الله است

1. دین کامل و مقبول و پایدار الله در زمین و آسمان فقط یکی است که همین دین اسلام است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ﴾ [آل عمران: 19]. «و یقینا دین مقبول در نزد خداوند اسلام است».

 و نیز می‌فرماید: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ﴾ «و به اسلام به عنوان دین برای شما راضی شدم».

1. دین اسلام بین افراط و تفریط یا زیاده روی و کوتاهی و بین تشبیه و تعطیل و بین جبر و قدر و بین خوشباوری و نا امیدی است.

پایان

1. پس ظاهر و باطن دین و عقیدۀ ما همین است و ما از هر کسی که با آنچه ذکر کردیم و بیان نمودیم مخالفت کند از او به پیشگاه خداوند بیزاری می‌جوییم.

و از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را بر ایمان ثابت بدارد و خاتمۀ ما را با ایمان بفرماید.

و ما را از هوا و هوس‌های مختلف و آراء و نظریات متفرق و مذاهب منحرف مانند مشبهه و معتزله و جهمیه و جبریه و قدریه و دیگران که با اهل سنت و جماعت مخالفت کرده و با اهل ضلالت و گمراهی هم پیمان شده‌اند محفوظ بدارد، ما از همۀ این‌ها بیزاریم و آنان در نزد ما گمراه و منحرف هستند.

حفاظت و توفیق از جانب خداوند است.

پایان ترجمه متن عقیده طحاویه

مترجم: عبدالله حیدری غفرالله له

مهرماه 1388 ش. شوال 1430 هـ ق مدینه منوره

متن عربی عقیدۀ طحاویه

**المقدمة**

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين، الحمد لله رب العالمين‏.‏ ‏(./17‏)‏

قال العلامة حجة الإسلام أبو جعفر الوراق الطحاوي بمصر رحمه الله:‏

هذا ذكر بيان عقيدة أهل السنة والجماعة، على مذهب فقهاء الملة:‏ أبي حنيفة النعمان بن ثابت الكوفي، وأبي يوسف يعقوب بن إبراهيم الأنصاري، وأبي عبدالله محمد بن الحسن الشيباني رضوان الله عليهم أجمعين؛ وما يعتقدون من أصول الدين، ويدينون به رب العالمين‏.‏

الإيمان بالله تعالى:‏

نقول في توحيد الله معتقدين بتوفيق الله:‏ إن الله واحد لا شريك له ‏(‏0/18‏)‏، ولا شيء مثله، ولا شيء يعجزه، ولا إله غيره ‏.‏ ‏(‏0/19‏)‏

قديم بلا ابتداء، دائم بلا انتهاء، لا يفنى ولا يبيد، ولا يكون إلا ما يريد ‏.‏

لا تبلغه الأوهام، ولا تدركه الأفهام، ولا يشبه الأنام، حي لا يموت، قيوم لا ينام .‏ ‏(‏/ 20‏)‏

خالق بلا حاجة، رازق بلا مؤنة، مميت بلا مخافة، باعث بلا مشقة.‏‏

ما زال بصفاته قديما قبل خلقه، لم يزدد بكونهم شيئا لم يكن قبلهم من صفاته، وكما كان بصفاته أزليا كذلك لا يزال عليها أبديا.‏‏

ليس بعد خلق الخلق استفاد اسم الخالق، ولا بإحداث البرية استفاد اسم الباري.‏‏

له معنى الربوبية ولا مربوب، ومعنى الخالقية ولا مخلوق.‏‏

وكما أنه محيي الموتى بعدما أحياهم استحق هذا الاسم قبل إحيائهم، كذلك استحق اسم الخالق قبل إنشائهم.‏‏

ذلك بأنه على كل شيء قدير، وكل شيء إليه ‏(‏0/ 21‏)‏ فقير، وكل أمر عليه يسير، لا يحتاج إلى شيء، ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ١١﴾.

خلق الخلق بعلمه، وقدر لهم أقدارا، وضرب لهم آجالا.‏‏

لم يخفَ عليه شيء قبل أن يخلقهم، وعلم ما هم عاملون قبل أن يخلقهم، وأمرهم بطاعته، ونهاهم عن معصيته.‏‏

وكل شيء يجري بتقديره ومشيئته، ومشيئته تنفذ لا مشيئة للعباد إلا ما شاء لهم، فما شاء لهم كان، وما لم يشأ لم يكن.‏‏ ‏(‏0/ 22‏)‏

يهدي من يشاء، ويعصم ويعافي فضلا، ويضل من يشاء، ويخذل ويبتلي عدلا، وكلهم يتقلبون في مشيئته بين فضله وعدله‏.‏

وهو متعال عن الأضداد والأنداد، لا رادَّ لقضائه، ولا معقب لحكمه، ولا غالب لأمره.‏‏

آمنا بذلك كله، وأيقنا أن كلا من عنده.‏‏

**الإيمان بنبوة النبي محمد صلى الله عليه وسلم:‏**

وأن محمدا عبده المصطفى، ونبيه المجتبى، ورسوله المرتضى، وأنه خاتم الأنبياء، وإمام الأتقياء، وسيد المرسلين، ‏(‏0/ 23‏)‏، وحبيب رب العالمين، وكل دعوى النبوة بعده فغَيٌّ وهوى، ‏(‏0/ 24‏)‏ وهو المبعوث إلى عامة الجن، وكافة الورى، بالحق والهدى، وبالنور والضياء.‏‏

**الإيمان بالقرآن الكريم:‏**

وإن القرآن كلام الله، منه بدا بلا كيفية قولا، وأنزله على رسوله وحيا، وصدقه المؤمنون على ذلك حقا، وأيقنوا أنه كلام الله تعالى بالحقيقة، ليس بمخلوق ككلام البرية، فمن سمعه فزعم أنه كلام البشر فقد كفر، وقد ذمه الله وعابه، وأوعده بسقر، حيث قال تعالى: ﴿سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ ٢٦﴾‏، فلما أوعد الله بسقر لمن قال: ﴿إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ ٢٥﴾ علمنا وأيقنا أنه قول خالق البشر، ولا يشبه قول البشر.‏‏ ‏(‏0/ 25‏)‏

**كفر من قال بالتشبيه:‏**

ومن وصف الله بمعنى من معاني البشر فقد كفر، ‏(‏0/ 26‏)‏ فمن أبصر هذا اعتبر، وعن مثل قول الكفار انزجر، وعلم أنه بصفاته ليس كالبشر.‏‏

**رؤية الله حق:‏**

والرؤية حق لأهل الجنة بغير إحاطة ولا كيفية، كما نطق به كتاب ربنا: ﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ ٢٣﴾‏، وتفسيره على ما أراده الله تعالى وعَلِمَه، وكل ما جاء في ذلك من الحديث الصحيح عن الرسول صلى الله عليه وسلم فهو كما قال، ومعناه على ما أراد لا ندخل في ذلك متأولين ‏(‏0/ 27‏)‏ بآرائنا، ولا متوهمين بأهوائنا، فإنه ما سلم في دينه إلا من سلَّم لله عز وجل ولرسوله صلى الله عليه وسلم، ورَدَّ عِلْم ما اشتبه عليه إلى عالمه.‏‏

ولا يثبت قدم الإسلام إلا على ظهر التسليم والاستسلام، فمن رام عِلْمَ ما حُظِر عنه علمه، ولم يقنع بالتسليم فهمه، حجبه مرامه عن خالص التوحيد، وصافي المعرفة، وصحيح الإيمان، فيتذبذب بين الكفر والإيمان، والتصديق والتكذيب، والإقرار والإنكار، موسوسا تائها، زائغا شاكا، لا مؤمنا مصدقا، ولا جاحدا مكذبا.‏‏

ولا يصح الإيمان بالرؤية لأهل دار السلام لمن اعتبرها منهم بوهم، أو تأولها بفهم، إذا كان تأويل الرؤية وتأويل ‏(‏0/ 28‏)‏ كل معنى يضاف إلى الربوبية بترك التأويل ولزوم التسليم، وعليه دين المسلمين.‏‏

ومن لم يتوَقَّ النفي والتشبيه زل ولم يصب التنزيه، فإن ربنا جل وعلا موصوف بصفات الوحدانية، منعوت بنعوت الفردانية، ليس في معناه أحد من البرية.‏‏

وتعالى عن الحدود والغايات، والأركان والأعضاء والأدوات، لا تحويه الجهات الست كسائر المبتدعات.‏‏ ‏(‏0/ 29‏)‏

**الإيمان بالإسراء والمعراج:‏**

والمعراج حق، وقد أسرى بالنبي صلى الله عليه وسلم، وعرج بشخصه في اليقظة إلى السماء، ثم إلى حيث شاء الله من العلا، وأكرمه الله بما شاء، وأوحى إليه ما أوحى، ﴿مَا كَذَبَ ٱلۡفُؤَادُ مَا رَأَىٰٓ ١١﴾ فصلى الله عليه وسلم في الآخرة والأولى.‏‏ ‏(‏0/ 30‏)‏

الإيمان بالحوض والشفاعة والميثاق:‏

والحوض الذي أكرمه الله تعالى به غياثا لأمته حق.‏‏

والشفاعة التي ادخرها لهم حق، كما روي في الأخبار.‏‏

والميثاق الذي أخذه الله تعالى من آدم وذريته حق.‏‏ ‏(‏0/ 31‏)‏

**الإيمان بعلم الله:‏**

وقد علم الله تعالى فيما لم يزل عدد من يدخل الجنة، وعدد من يدخل النار جملة واحدة، فلا يزاد في ذلك العدد ولا ينقص منه، وكذلك أفعالهم فيما علم منهم أن يفعلوه، وكلٌّ ميسر لما خلق له.‏‏

**الأعمال بالخواتيم:‏**

والأعمال بالخواتيم، والسعيد من سعد بقضاء ‏(‏0/ 32‏)‏ الله، والشقي من شقي بقضاء الله.‏‏

**الإيمان بالقضاء والقدر:‏**

وأصل القدر سر الله تعالى في خلقه، لم يطلع على ذلك ملك مقرب ولا نبي مرسل، والتعمق والنظر في ذلك ذريعة الخذلان، وسلم الحرمان، ودرجة الطغيان، فالحذر كل الحذر من ذلك نظرا وفكرا ووسوسة، فإن الله تعالى طوى علم القدر عن أنامه، ونهاهم عن مرامه، كما قال الله تعالى في كتابه: ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ ٢٣﴾‏ فمن سأل:‏ لِمَ فعل ‏؟‏ ‏(‏0/ 33‏)‏ فقد رد حكم الكتاب، ومن رد حكم الكتاب كان من الكافرين.‏‏ ‏(‏0/ 34‏)‏

فهذا جملة ما يحتاج إليه من هو منور قلبه من أولياء الله تعالى، وهي درجة الراسخين في العلم؛ لأن العلم علمان:‏ علم في الخلق موجود، وعلم في الخلق مفقود، فإنكار العلم الموجود كفر، وادعاء العلم المفقود كفر، ولا يثبت الإيمان إلا بقبول العلم الموجود وترك طلب العلم المفقود.‏‏

ونؤمن باللوح والقلم، وبجميع ما فيه قد رقم، ‏(‏0/ 35‏)‏ فلو اجتمع الخلق كلهم على شيء كتبه الله تعالى فيه أنه كائن ليجعلوه غير كائن لم يقدروا عليه، ولو اجتمعوا كلهم على شيء لم يكتبه الله تعالى فيه ليجعلوه كائنا لم يقدروا عليه، جف القلم بما هو كائن إلى يوم القيامة، وما أخطأ العبد لم يكن ليصيبه، وما أصابه لم يكن ليخطئه.‏‏

وعلى العبد أن يعلم أن الله قد سبق علمه في كل كائن من خلقه، فقدر ذلك تقديرا محكما مبرما، ليس فيه ناقض ولا معقب، ولا مزيل ولا مغير، ولا ناقص ولا زائد من خلقه في سماواته وأرضه، وذلك من عقد الإيمان وأصول المعرفة، والاعتراف بتوحيد الله تعالى وربوبيته، كما قال تعالى في كتابه: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾‏، وقال تعالى: ﴿وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ٣٨﴾‏ فويل لمن صار لله تعالى في القدر خصيما، وأحضر للنظر فيه ‏(‏0/ 36‏)‏ قلبا سقيما، لقد التمس بوهمه في محض الغيب سرا كتيما، وعاد بما قال فيه أفاكا أثيما‏.‏

**الإيمان بالعرش والكرسي:‏**

والعرش والكرسي حق، وهو مستغن عن العرش وما دونه، ‏(‏0/ 37‏)‏، محيط بكل شيء وفوقه، وقد أعجز عن الإحاطة خلقه.‏‏ ‏(‏0/ 38‏)‏

**الإيمان بالملائكة والنبيين والكتب السماوية:‏**

ونقول إن الله اتخذ إبراهيم خليلا، وكلم الله موسى تكليما، إيمانا وتصديقا وتسليما.‏‏

ونؤمن بالملائكة والنبيين والكتب المنزلة على المرسلين، ونشهد أنهم كانوا على الحق المبين.‏‏

ونسمي أهل قبلتنا مسلمين مؤمنين، ما داموا بما جاء به النبي صلى الله عليه وسلم معترفين، وله بكل ما قاله وأخبر مصدقين.‏‏

**حرمة الخوض في ذات الله، والجدال في دين الله وقرآنه:‏**

ولا نخوض في الله، ولا نماري في دين الله، ولا نجادل في القرآن، ونشهد أنه كلام رب العالمين، ‏(‏0/ 39‏)‏ نزل به الروح الأمين، فعلمه سيد المرسلين، محمدا صلى الله عليه وسلم، وهو كلام الله تعالى لا يساويه شيء من كلام المخلوقين، ولا نقول بخلقه، ولا نخالف جماعة المسلمين.‏‏ ‏(‏0/ 40‏)‏

**الرد على المرجئة:‏**

ولا نقول:‏ لا يضر مع الإيمان ذنب لمن عمله، نرجو للمحسنين من المؤمنين أن يعفو عنهم، ويدخلهم الجنة برحمته، ولا نأمن عليهم، ولا نشهد لهم بالجنة، ونستغفر لمسيئهم، ونخاف عليهم ولا نقنِّطهم.‏‏ ‏(‏0/ 42‏)‏

والأمن والإياس ينقلان عن ملة الإسلام، وسبيل الحق بينهما لأهل القبلة.‏‏

ولا يخرج العبد من الإيمان إلا بجحود ما أدخله فيه.‏‏

**تعريف الإيمان:‏**

والإيمان:‏ هو الإقرار باللسان، والتصديق بالجنان.‏‏ ‏(0/43‏)‏

وجميع ما صح عن رسول الله صلى الله عليه وسلم من الشرع والبيان كله.‏‏ حق والإيمان واحد، وأهله في أصله سواء، والتفاضل ‏(‏0/ 44‏)‏ بينهم بالخشية والتقى، ومخالفة الهوى، وملازمة الأولى.‏‏

والمؤمنون كلهم أولياء الرحمن، وأكرمهم عند الله أطوعهم وأتبعهم للقرآن.‏‏

والإيمان:‏ هو الإيمان بالله، وملائكته، وكتبه، ورسله، واليوم الآخر، والقدر خيره وشره، وحلوه ومره من الله تعالى.‏‏

ونحن مؤمنون بذلك كله، لا نفرق بين أحد من رسله، ونصدقهم كلهم على ما جاؤوا به.‏‏ ‏(‏0/ 45‏)‏

**أهل الكبائر من المؤمنين لا يخلدون في النار:‏**

وأهل الكبائر من أمة محمد صلى الله عليه وسلم في النارلا يخلدون، إذا ماتوا وهم موحدون، وإن لم يكونوا تائبين، بعد أن لقوا الله عارفين مؤمنين.‏‏

وهم في مشيئته وحكمه:‏ إن شاء غفر لهم وعفا عنهم بفضله، كما ذكر عز وجل في كتابه: ﴿وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ﴾‏.‏

وإن شاء عذبهم في النار بعدله، ثم يخرجهم منها برحمته، وشفاعة الشافعين من أهل طاعته، ثم يبعثهم إلى جنته، وذلك بأن الله تعالى تولى أهل معرفته، ولم يجعلهم في الدارين كأهل نكرته؛ الذين خابوا من هدايته، ولم ينالوا من ولايته، اللهم يا ولي الإسلام وأهله ثبتنا على الإسلام حتى نلقاك به.‏‏ ‏(0/46‏)‏

ونرى الصلاة خلف كل بر وفاجر من أهل القبلة، ونصلي على من مات منهم.‏‏

ولا ننزل أحدا منهم جنة ولا نارا، ولا نشهد عليهم بكفر ولا بشرك ولا بنفاق، ما لم يظهر منهم شيء من ذلك، ونذر سرائرهم إلى الله تعالى.‏‏

ولا نرى السيف على أحد من أمة محمد صلى الله عليه وسلم إلا من وجب عليه السيف.‏‏ ‏(‏0/ 47‏)‏

**وجوب طاعة الأئمة والولاة:‏**

ولا نرى الخروج على أئمتنا وولاة أمورنا وإن جاروا، ولا ندعوا عليهم ولا ننزع يدا من طاعتهم، ‏(‏0/ 48‏)‏ ونرى طاعتهم من طاعة الله عز وجل فريضة، ما لم يأمروا بمعصية، وندعوا لهم بالصلاح والمعافاة‏.‏

**اتباع أهل السنة والجماعة:‏**

ونتبع السنة والجماعة، ونجتنب الشذوذ والخلاف والفرقة.‏‏

ونحب أهل العدل والأمانة، ونبغض أهل الجور والخيانة.‏‏ ‏(0/49‏)‏

ونقول:‏ الله أعلم فيما اشتبه علينا علمه.‏‏

ونرى المسح على الخفين في السفر والحضر، كما جاء في الأثر.‏‏

**وجوب الحج والجهاد إلى يوم القيامة:‏**

والحج والجهاد ماضيان مع أولي الأمر من المسلمين، برهم وفاجرهم إلى قيام الساعة، لا يبطلهما شيء ولا ينقضهما.‏‏ ‏(‏0/ 50‏)‏

**الإيمان بالملائكة والبرزخ:‏**

ونؤمن بالكرام الكاتبين، فإن الله قد جعلهم علينا حافظين.‏‏

ونؤمن بملك الموت الموكل بقبض أرواح العالمين، وبعذاب القبر لمن كان له أهلا، وسؤال منكر ونكير في قبره عن ربه ودينه ونبيه، على ما جاءت به الأخبار عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، وعن الصحابة رضوان الله عليهم.‏‏

والقبر روضة من رياض الجنة، أو حفرة من حفر النيران.‏‏ ‏(0/51‏)‏

**الإيمان بيوم القيامة وما فيه من المشاهد:‏**

ونؤمن بالبعث وجزاء الأعمال يوم القيامة، والعرض والحساب، وقراءة الكتاب، والثواب والعقاب، والصراط والميزان.‏‏

**الإيمان بالجنة والنار:‏**

والجنة والنار مخلوقتان، لا تفنيان أبدا ولا تبيدان، وإن الله تعالى خلق الجنة والنار قبل الخلق، وخلق لهما أهلا، فمن شاء منهم إلى الجنة فضلا منه، ومن شاء منهم إلى النار عدلا منه، وكل يعمل لما قد فرغ له، وصائر إلى ما خلق له.‏‏

**أفعال العباد خلق الله وكسب من العباد:‏**

والخير والشر مقدران على العباد.‏‏

والاستطاعة التي يجب بها الفعل من نحو التوفيق الذي لا يجوز أن يوصف المخلوق به، فهي مع الفعل، وأما الاستطاعة من جهة الصحة والوسع والتمكن وسلامة الآلات ‏(‏0/ 52‏)‏ فهي قبل الفعل، وبها يتعلق الخطاب، وهو كما قال تعالى ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ﴾ ‏(‏0/ 53‏)‏

وأفعال العباد خلق الله، وكسب من العباد.‏‏ ‏(‏0/ 54‏)‏

**التكليف بما يطاق:‏**

ولم يكلفهم الله تعالى إلا ما يطيقون، ولا يطيقون إلا ما كلفهم، وهو تفسير لا حول ولا قوة إلا بالله، نقول:‏ لا حيلة لأحد، ولا حركة لأحد، ولا تحول لأحد عن معصية الله إلا بمعونة الله، ولا قوة لأحد على إقامة طاعة الله والثبات عليها إلا بتوفيق الله.‏‏ ‏(‏0/ 55‏)‏

وكل شيء يجري بمشيئة الله تعالى وعلمه وقضائه وقدره، غلبت مشيئة المشيئات كلها، وغلب قضاؤه الحيل كلها، يفعل ما يشاء وهو غير ظالم أبدا، تقدس عن كل سوء وحين، وتنزه عن كل عيب وشين، ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ ٢٣﴾.‏‏ ‏(‏0/56‏)‏

وفي دعاء الأحياء وصدقاتهم منفعة للأموات، والله تعالى يستجيب الدعوات ويقضي الحاجات.‏‏

**الله هو الغني ونحن الفقراء إليه:‏**

ويملك كل شيء ولا يملكه شيء، ولا غنى عن الله تعالى طرفة عين، ومن استغنى عن الله طرفة عين فقد كفر، وصار من أهل الحين.‏‏ ‏(‏0/ 57‏)‏

والله يغضب ويرضى لا كأحد من الورى.‏‏

**حب أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم:‏**

ونحب أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم، ولا نفرط في حب أحد منهم، ولا نتبرأ من أحد منهم، ونبغض من يبغضهم، وبغير الخير يذكرهم، ولا نذكرهم إلا بخير، وحبهم دين وإيمان وإحسان، وبغضهم كفر ونفاق وطغيان.‏‏

ونثبت الخلافة بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم أولا لأبي بكر الصديق رضي الله عنه تفضيلا له وتقديما على جميع الأمة، ثم لعمر بن الخطاب رضي الله عنه، ثم لعثمان رضي الله عنه، ثم لعلي بن أبي طالب رضي الله عنه، وهم الخلفاء الراشدون والأئمة المهتدون.‏‏ ‏(‏0/ 58‏)‏

وأن العشرة الذين سماهم رسول الله صلى الله عليه وسلم وبشرهم بالجنة نشهد لهم بالجنة، على ما شهد لهم رسول الله صلى الله عليه وسلم، وقوله الحق، وهم:‏ أبو بكر، وعمر، وعثمان، وعلي، وطلحة، والزبير، وسعد، وسعيد، وعبد الرحمن بن عوف، وأبو عبيدة بن الجراح؛ وهو أمين هذه الأمة رضي الله عنهم أجمعين.‏‏

ومن أحسن القول في أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم وأزواجه الطاهرات من كل دنس وذرياته المقدسين من كل رجس؛ فقد برئ من النفاق.‏‏

وعلماء السلف من السابقين، ومن بعدهم من التابعين أهل الخير والأثر، وأهل الفقه والنظر، لا يذكرون إلا بالجميل، ومن ذكرهم بسوء فهو على غير السبيل.‏‏

**الأنبياء أفضل من الأولياء:‏**

ولا نفضل أحدا من الأولياء على أحد من الأنبياء عليهم السلام، ونقول:‏ نبي واحد أفضل من جميع الأولياء.‏‏ ‏(‏0/ 59‏)‏

ونؤمن بما جاء من كراماتهم، وصح عن الثقات من رواياتهم.‏‏

**الإيمان بأشراط الساعة:‏**

ونؤمن بأشراط الساعة منها:‏ خروج الدجال، ونزول عيسى ابن مريم عليه السلام من السماء، ونؤمن بطلوع الشمس من مغربها، وخروج دابة الأرض من موضعها.‏‏ ‏(‏0/ 60‏)‏

**لا يجوز تصديق الكهنة والعرافين:‏**

ولا نصدق كاهنا ولا عرافا، ولا من يدعي شيئا يخالف الكتاب والسنة وإجماع الأمة.‏‏

ونرى الجماعة حقا وصوابا، والفرقة زيغا وعذابا.‏‏

**إن الدين عند الله الإسلام:‏**

ودين الله في الأرض والسماء واحد، وهو دين الإسلام، قال الله تعالى: ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ﴾‏، وقال تعالى: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ﴾‏.‏‏ ‏(‏0/ 61‏)‏ وهو بين الغلو والتقصير، وبين التشبيه والتعطيل، وبين الجبر والقدر، وبين الأمن والإياس.‏‏

**الخاتمة:‏**

فهذا ديننا واعتقادنا ظاهرا وباطنا، ونحن براء إلى الله من كل من خالف الذي ذكرناه وبيناه، ونسأل الله تعالى أن يثبتنا على الإيمان، ويختم لنا به، ويعصمنا من الأهواء المختلفة، والآراء المتفرقة، والمذاهب الردية، مثل المشبهة والمعتزلة والجهمية والجبرية والقدرية وغيرهم؛ من الذين خالفوا السنة والجماعة، وحالفوا ‏(‏0/ 61‏)‏ الضلالة، ونحن منهم براء، وهم عندنا ضلال وأردياء، وبالله العصمة‏.‏

**\*\*\***

1. - تقریبا تمام علمای اهل سنت بر این عقیده هستند که انسان بیشتر از آنچه بدان مکلف شده استطاعت دارد احتمالا این لغزشی از امام طحاوی رحمت الله علیه است والله اعلم. مترجم. [↑](#footnote-ref-1)